



بیانات در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری صداوسیما در پایان بازدید از نمایشگاه کتاب تهران - 24 اردیبهشت / 1402

خبرنگار: (۱) سلام و خسته نباشید عرض میکنم. حضرتعالی در کنار اهتمام فوق العاده‌ای که به مسائل اقتصادی دارید، در یک اقدام واقعی و نمادین، طبق روال دوره‌های گذشته به سی و چهارمین نمایشگاه کتاب تهران تشریف آوردید؛ اگر ممکن است بفرمایید که جایگاه کتاب در فرهنگ ما چه جایگاهی است و چه کمکی به ارتقاء فرهنگ میکند؟

بسم الله الرحمن الرحيم. اولاً خیلی خرسندم که این توفیق را پیدا کردم که امسال در این نمایشگاه شرکت کنم. این نمایشگاه، یعنی نمایشگاه کتاب که هر سال تشکیل میشود، یک همایش عظیم مردمی است که جنبه‌ی غالب آن جنبه‌ی فرهنگ است و این خیلی خرسندکننده است؛ واقعاً این نمایشگاه شوق‌آور است. آنچه من امسال در این نمایشگاه دیدم خرسندکننده بود. اولاً جمعیت زیاد، هم دیده میشود، هم در آمارهایی که به من دادند تعداد جمعیتی که در این چند روز آمده‌اند بالا بوده، خیلی خوب بوده، مقدار کتابی که خریداری شده خیلی خوب بوده؛ بعد هم خود من که چندین غرفه را از نزدیک دیدم، انسان احساس میکند که کار نشر کتاب بر خلاف بعضی از زمینه‌های نامساعد، رو به پیشرفت است.

«زمینه‌ی نامساعد» که می‌گویم، عمدتاً گرانی کاغذ است و گاهی نامرغوب بودن کاغذ که حالا امروز وزیر محترم (۲) به من خبر دادند که در زمینه‌ی تولید کاغذ مرغوب کارهای خوبی را شروع کرده‌اند. من البته چند سال قبل به این مسئله تأکید کردم، (۳) همّت نکردند که دنبال کنند؛ حالا خب بحمدالله شروع کرده‌اند. امیدواریم که این کمک کند تا این قیمت بالای کتابها - که خرید کتاب با این قیمتها واقعاً سخت است - بشکند و با ارزان شدن کاغذ، با آمدن کاغذ داخلی مرغوب، این وضع بهتر بشود.

به هر حال، اینها زمینه‌های نامساعدی است، لکن با وجود اینها انسان میبیند که تعداد عناوین کتاب بسیار زیاد شده؛ یعنی مثلاً فرض بفرمایید سال ۱۴۰۱ تعداد کتابی که چاپ شده از مجموع چندین سال قبل از انقلاب بیشتر است؛ این خیلی موضوع مهمی است. با اینکه حالا از لحاظ اقتصادی و امثال اینها این همه مشکلات وجود دارد، اما در عین حال عناوین کتاب بالا رفته. شمارگان چاپ کتاب البته خیلی بالا نیست، نسبتاً پایین است یا در بعضی موارد پایین است، لکن تعداد چاپ بالا است؛ بعضی از کتابها ده بار، پانزده بار، بیست بار، سی بار چاپ شده. همین حالا در همین [جا] یک کتابی را به من گفتند که حدود دویست بار چاپ شده؛ خب اگر چنانچه مثلاً شمارگان هر دفعه‌ای هزار هم باشد، مبلغ قابل توجه و خوبی است. بنابراین، این خرسندکننده است.

مسئله‌ی کتاب مسئله‌ی مهمی است. فرهنگ کشور، فرهنگ‌سازی کشور، همواره احتیاج به کتاب دارد؛ با اینکه حالا امروز امکانات فراوان دیگری به وجود آمده - فضای مجازی و امثال اینها - اما کتاب همچنان در جایگاه خیلی والا و مهم خودش قرار دارد. همه‌ی فعالیتهای هنری، رسانه‌ای، فرهنگی، مثل تئاتر، مثل سینما، حتی نقاشی، کارهای سمعی و بصری، احتیاج به کتاب دارد؛ یعنی آن کسی میتواند یک کار هنری خوب را یا کار رسانه‌ای خوب را تولید کند که با کتاب سر و کار داشته باشد. لذا من با اینکه به همه‌ی مردم توصیه میکنم کتاب بخوانند، همیشه هم



توصیه کرده‌ام، بخصوص به جوانها، اما میخواهم امروز تأکید کنم که کسانی که در کار برنامه‌سازی هستند برای تلویزیون، برای رادیو، برای مطبوعات، کسانی که در کار هنری هستند، هنرهای نمایشی، هنرهای سمعی و بصری به هر شکل، اینها بخصوص احتیاج دارند کتاب زیاد بخوانند. و بحمدالله در همه‌ی موضوعات هم امروز ما کتابهای تألیف داخل داریم. یک مسئله این است.

یک مسئله‌ی دیگر هم مسئله‌ی ترجمه است. در گذشته‌ی دور که دوره‌ی جوانی ما است، کتابها غالباً ترجمه‌ای بود؛ یعنی عمدتاً ترجمه‌ی کتابهای فرنگی بود که در اینجا چاپ میشد. حالا انسان احساس میکند که کتابهای نگارش‌یافته و تألیف‌شده‌ی در داخل، تعداد خیلی زیادی از کتابها را و سهم بزرگی از کتابهای کشور را تشکیل میدهند؛ باید اینها ترجمه بشوند. یعنی من با ترجمه‌ی آثار خارجی به هیچ وجه مخالفتی ندارم – البته [آن اثر خارجی] باید خوب باشد، جهت‌گیری‌اش درست باشد، گمراه‌کننده نباشد – اما متقابلاً روی ترجمه‌ی کتابهای داخلی به زبانهای خارجی هم حتماً باید تأکید کنند. و حتی‌المقدور آن زبان ترجمه‌شده هم – که میخواهیم به آن زبان ترجمه کنیم – زبان مادری مترجم باشد؛ مثلاً اگر میخواهیم کتاب فارسی را به عربی ترجمه کنیم، یک عرب واقعی که زبان عربی زبان مادری‌اش است ترجمه کند؛ یا انگلیسی یا همین‌طور زبانهای دیگر.

روی مسئله‌ی کتاب کودک و نوجوان هم من تأکید دارم. خوشبختانه دیدم در چندین غرفه در این مسئله کار شده و باز هم من تأکید میکنم که برای کودکان، برای نوجوانان، هر چه میتوانند کتاب تهیه کنند و ما را از کتابهای بیگانه بی‌نیاز کنند که بتوانیم با فرهنگ خودمان، با جهت‌گیری‌های خودمان و اهداف خودمان ان‌شاءالله کتاب در اختیار نوجوانانمان بگذاریم. این هم یک مسئله است.

مسئله‌ی نشر هم جزو مسائل مهم است. حالا من با بعضی از دوستان که اینجا صحبت میکردم، راجع به نشر خبرهای خوبی دادند. من باز هم تأکید میکنم نشر یک بخش مهم از کتاب‌خوانی کشور را به عهده دارد. نشر باید روان باشد، خوب باشد، همه‌جایی باشد و آسان انجام بگیرد.

به هر حال، امروز نمایشگاه خوبی بود بحمدالله. من چند ساعتی که اینجا صرف کردیم، قلباً خرسند شدم. چیزهای مژده‌بخشی را انسان در اینجا مشاهده میکند؛ همتهای خوب، نیروهای خوب، جوانهای خوب، انگیزه‌های خوب بحمدالله در نمایشگاه دیده میشود.

خبرنگار: متشکرم. سؤال دیگری که از حضرتعالی داشتم، با توجه به اشاره‌ای که فرمودید که از ساعت هشت و نیم تا یازده و نیم، سه ساعت شما اینجا تشریف داشتید و از نمایشگاه بازدید کردید، این علاقه‌ی شما به کتاب و کتاب‌خوانی از کجا شکل گرفته و خود شما در کنار مطالعات تخصصی‌ای که انجام میدید، چه کتابهایی را دوست دارید و توصیه میکنید به جوانان؟

اینکه از کجا شروع شده، اینها دیگر تاریخ است، اینها خیلی اهمیّت ندارد؛ اما من همه جور کتابی را میخوانم. من کتاب زیاد میخوانم؛ کتاب فنی تخصصی میخوانم، کتاب علمی میخوانم، کتاب رمان میخوانم، بخصوص کتاب خاطرات. این کتابهای خاطرات مربوط به دفاع مقدّس و دفاع از حرم که چاپ میشود، خیلی بارز است؛ این یک گونه‌ی جدید از کتاب‌سازی و تولید کتاب است که بحمدالله خوب راه افتاده و خانمها هم در این زمینه خیلی



فعالند، نویسندگانی که نوشته‌های بسیار خوبی دارند، از آنها من زیاد می‌خوانم.

خبرنگار: بسیار ممنون، لطف فرمودید.

ان شاء الله موفق باشید. خدا حفظتان کند.

(۱) خانم میترا لبافی (خبرنگار خبرگزاری صداوسیما)

(۲) آقای محمدمهدی اسماعیلی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)

(۳) از جمله، بیانات در بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران (۱۳۹۱/۲/۱۷)